



مهران رجبی: من تودل برو هستم؛ برای همین همه دعوتنم می کنند!



و گاز برای درآمدش ندارد به همین دلیل باید براساس واقعیت‌ها حرکت کند. کاری که دولت اردوغان می‌کند، همین است. گاهی وقت‌ها می‌تواند و همراهی بیشتری با موضوع فلسطین می‌کند و گاهی نیز این شرایط را ندارد. ترک‌ها مایل هستند که از فلسطین حمایت نکنند اما نه به این قیمت که اقتصادش تحت تاثیر قرار بگیرد یا روابطش با غرب متشنج شود. آنکارا نمی‌خواهد منافع ترکیه به خطر بیفتد. اگر منافعی از بین برود، همین حمایت‌رانی نمی‌تواند از فلسطین داشته‌باشد. اگر ترکیه اقتصادوروشکنسته داشته‌باشد، نمی‌تواند از فلسطین حمایت کند. یک ترکیه قوی می‌تواند در مسئله فلسطین نقش آفرینی کند.»

این استاد دانشگاه تهران در خصوص ابعاد حمایت ترکیه از فلسطین گفت: «حمایت فعال ترکیه از فلسطینی‌ها در حوزه‌های مالی، سیاسی و بین‌المللی تعریف می‌شود. آنچه ترکیه تمایلی به ورود به آن ندارد، مسائل نظامی است. کمک‌های مالی نیز تا حد مقدور انجام می‌شود که تاثیر منفی بر تعاملات و روابط آنکارا با دیگر کشورها نداشته‌باشد.»

برهانی ادامه داد: «اسرائیل شریک اقتصادی مهم ترکیه است و نیاز زیادی به خدمات و کالاهای ترک دارد. از لحاظ جغرافیایی به یکدیگر نزدیک و توریست‌های زیادی بین دو طرف در تردد هستند. ترکیه و اسرائیل از لحاظ اقتصادی به یکدیگر نزدیک هستند و این روابط منافع زیادی به خصوص برای آنکارا دارد.»

تحلیلگر مسائل اسرائیل درباره تاثیر دیدار اردوغان و هنیه بر تحولات و معادلات منطقه گفت: «بعد از هفت اکتبر موج منفی شدیدی علیه حماس به راه افتاد که بخشی از آن بر پایه حقیقت و بخش زیادی بر مبنای دروغ بود. برخی کشورهای اسلامی و کشورهای منطقه در نتیجه این شرایط و فضای بین‌المللی از حماس فاصله گرفتند. اما به مرور زمان این موج و فضا از بین رفت و حماس دوباره توانست جایگاه خود را پیدا کند و کشورهای اسلامی دوباره به این گروه نزدیک شدند که این سفر و ملاقات در همین مسیر تحلیل می‌شود.»

برهانی در پاسخ به سوالی راجع به تفاوت مواضع و عملکرد ترکیه و ایران در موضوع فلسطین گفت: «اگر به ژئوپلیتیک منطقه نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که ایران و ترکیه کشورهای مهمی در مسئله فلسطین هستند. اما نقش آفرینی تهران و آنکارا در این حوزه متفاوت است. ایران در حوزه حمایت از گروه‌های مبارز فلسطینی در بُعد نظامی بسیار فعال است و ترکیه از نظر سیاسی، بین‌المللی و تا حدودی مالی از فلسطینی‌ها پشتیبانی می‌کند. نقش این دو کشور می‌تواند مکمل یکدیگر باشد و اگر هماهنگی میان تهران و آنکارا اتفاق بیفتد، در نهایت به نفع فلسطینی‌ها است. اما در هر دو کشور نیروهایی هستند که این همکاری و تفاوت نقش‌رانی فهمند و مانع از این می‌شوند که این ارتباط شکل بگیرد. در ایران گروه‌هایی هستند که ترکیه هر اقدامی انجام دهد، ایراد می‌گیرند و طرف مقابل را متهم به خیانت و نفاق در مسئله فلسطین می‌کنند. در ترکیه هم شرایط به همین صورت است و چنین گروهی وجود دارد. مثلاً پس از حمله موشکی و پهپادی ایران به اسرائیل موجی از تمسخر در مطبوعات و محافل سیاسی ترکیه به راه انداختند. این مشکلات وجود دارد و نقطه ضعفی بزرگ در مسئله فلسطین است. معتقدم که اگر در دو کشور این فهم گسترش پیدا کند که شرایط تهران و آنکارا متفاوت است و دو طرف مکمل یکدیگر هستند، اتفاق مثبتی در موضوع فلسطین بیفتد.»

امپراطوری عثمانی می‌داند، نگاهی ترکی - اسلامی به این مسئله دارد. برخلاف ایران، در حال حاضر نه اعراب و نه ترکیه نه تنها در صف اول مبارزه با اسرائیل نیستند بلکه با عادی‌سازی روابط دارند، یا به آن سو حرکت کرده‌اند. با توجه به همین نگاه، این کشورها در نهایت در نقش میانجی ظاهر می‌شوند و به دنبال راه حل دوکشوری هستند. روابط سیاسی ترکیه و اسرائیل در تمام این سال‌ها دچار فرازونشیب بوده اما روابط اقتصادی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی آنکارا-تل‌آویو هیچگاه دچار سکنه نشده است. ترکیه روابط خود را با اسرائیل در چارچوب روابط خود با غرب و به‌ویژه با آمریکا تعریف کرده و این روابط نیز بر پایه منافع و شرایط آنکارا بنا شده است. روابط دو طرف فراتر و عمیق‌تر از آن است که تحت تاثیر دولت‌ها باشد. ترکیه فاقد منابع طبیعی است و حیات اقتصادی خود را با مسائل سیاسی به خطر نمی‌اندازد.»

ملکی اضافه کرد: «سوخت هواپیماهایی که بر سر مردم غزه بمب می‌ریزد، با واسطه از ترکیه تامین می‌شود و حتی برخی منابع اعلام کرده‌اند که ترکیه در رهگیری پهپادها و موشک‌های ایرانی که به سوی اسرائیل پرتاب شده، دست داشته است. به مواضع عملی ترکیه باید بیش از مواضع و سیاست‌های اعلامی توجه داشت.»

دیپلمات پیشین کشورمان در تحلیل سیاست فلسطینی ترکیه، گفت: «ترکیه در سیاست اعلامی بر این نظر است که نباید فلسطینی‌تر از فلسطینی‌ها عمل کرد. لذا به‌طور جدی تنها به نقش میانجیگری می‌اندیشد. توقع مواضع همسان و یا نزدیک به ایران در مسئله فلسطین، دور از واقعیت‌های حاکم بر سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه است. روابط کشورها مجموعه‌ای از روابط در سطوح مختلف سیاسی، امنیتی و نظامی است؛ در روابط چندوجهی میان آنکارا و تل‌آویو، ترکیه بیش از اسرائیل به دنبال روابط دو جانبه بوده و از قبال آن سود بیشتری را نصیب خود کرده است. اسرائیل عمق استراتژیک ندارد و سال‌هاست از فضای قونیه برای مانور و آمادگی خود استفاده می‌کند.»

ملکی یادآور شد: «بنابراین فراموش کنیم که ترکیه عضو ناتو است و این عامل را باید در تحلیل‌هایمان لحاظ کنیم. اگر روابط آنکارا و اسرائیل را نه به عینک تهران بلکه به عینک آنکارا تحلیل کنیم، به ارزیابی صحیحی می‌رسیم.»

سیاست‌های ایران و ترکیه باید مکمل یکدیگر باشند

هادی برهانی، استاد دانشگاه تهران و تحلیلگر مسائل اسرائیل درباره سیاست‌های ترکیه در قبال مسئله فلسطین گفت: «برخی معتقدند که تناقضی در رفتار ترکیه نسبت به مسئله فلسطین وجود دارد. اما موافق این تناقض نیستیم. آنچه تحت عنوان تناقض تعبیر می‌شود، ناشی از نوعی سوءبرداشت از شرایط بین‌المللی ترکیه می‌دانم. به نظر من ترکیه و دولت اسلام‌گرای اردوغان که تمایلات اخوانی دارد، طرفدار فلسطین و منتقد اسرائیل هستند و تمایل دارند که جلوی تجاوزهای تل‌آویو به منطقه گرفته شود. اما از سوی دیگر، ترکیه در واقعیت‌هایی به سر می‌برد که روی تصمیم‌ها و سیاست‌هایش تاثیر می‌گذارد و این واقعیت‌ها، با شرایط ایران متفاوت است. ترکیه عضو ناتو است، به عضویت در اتحادیه اروپا تمایل دارد و چرخ اقتصادش با ارتباط و تعامل با دنیا می‌چرخد. ترکیه مثل ما منابع نفت



در مسیر عضویت کامل

سابقه عضویت فلسطین در سازمان ملل

نوامبر ۱۹۷۴ توسط مجمع عمومی است که در بند ۱ آن از سازمان آزادیبخش فلسطین دعوت شده بود تا به‌عنوان عضو ناظر در جلسات مجمع عمومی شرکت نماید. نقطه عطف دوم، قطعنامه ۵۲/۲۵۰ مجمع عمومی است که مورخ ۱۳ جولای ۱۹۹۸ به تصویب رسید و در چارچوب آن سازمان آزادیبخش فلسطین از حق مشارکت در مباحثه‌ها، صحبت درباره موضوعات غیرمرتبط با فلسطینیان و خاورمیانه، پاسخ‌دهی، طرح نکته درباره موضوعات مرتبط با فلسطینیان و خاورمیانه، مشارکت (co-sponsorship) در تدوین قطعنامه‌های مرتبط با فلسطینیان و خاورمیانه و مداخله در جلسات مجمع عمومی تحت عنوان «وضعیت ناظر فوق‌العاده» (sui generis observer) برخوردار شد. نقطه عطف سوم تصویب قطعنامه ۶۷/۱۹ مجمع عمومی در تاریخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۲ بود که در ذیل آن به فلسطین وضعیت دولت غیرعضو ناظر (non-member observer State) اعطا شد. نقطه عطف چهارم اما عضویت کامل فلسطین است که هنوز به وقوع نپیوسته. شایان ذکر است روز ۱۸ آوریل سال جاری، درخواست عضویت در شورای امنیت به رای گذاشته شد. که همچون سال ۲۰۱۱ - با اِعمال وتو به نتیجه نرسید.

فرآیند عضویت در سازمان ملل متحد مستلزم عبور از سه مرحله است: ۱- ارائه درخواست عضویت به دبیرکل به همراه نامه رسمی مبنی بر پذیرش تعهدات مندرج در منشور، ۲- دریافت حداقل ۹ رای از ۱۵ عضو شورای امنیت مشروط به عدم وتو از سوی پنج عضو دائم و ۳- کسب رای مثبت حداقل دوسوم از اعضای مجمع عمومی. در حال حاضر، امکان گذر از مرحله دوم برای فلسطین فراهم نیست. با این همه، عضویت کامل فلسطین در سازمان ملل متحد امری غیرمحمّل نیست و از تحولاتی که به مرور در رابطه فیمابین پدید آمده می‌توان چنین نتیجه گرفت که در قرض عدم تغییر بنیادین اوضاع و احوال، این عضویت سرانجام کامل شده و فلسطین در چارچوب آن قادر خواهد بود تا در مناسبات بین‌المللی بیش از پیش منشأ اثر باشد. بدیهی است که این امر مستلزم ثبات سیاسی است و متغیرهای متعددی که در این فرآیند ایفای نقش می‌کنند باید در ارزیابی زمان طرح این درخواست مطلع نظر واقع شوند.



آرش ملکی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی

از منظر دکترین، مشارکت دولت‌ها در یک سازمان بین‌المللی در سه شکل صورت می‌پذیرد: ۱- عضویت کامل، ۲- عضویت وابسته و ۳- عضویت ناظر. هر کدام از این اشکال عضویت واجد آثار حقوقی تعریف شده هستند. عضویت کامل سبب بر خورداری از تمامی حقوق و مزایای ناشی از عضویت است. عضویت وابسته، به دولت عضو این امکان را می‌دهد که دامنه مشارکت را (به صلاحدید خود) محدود نماید و عضویت ناظر، فرصت مشارکت را برای آن دسته از دولت‌ها (و سایر تابعان حقوق بین‌الملل همچون سازمان‌های بین‌المللی، نهضت‌های آزادیبخش و...) که به هر دلیل - امکان عضویت کامل را ندارند، فراهم می‌کند. ایفای نقش اعضای ناظر در سازمان‌های بین‌المللی تابع اصولی متحدالشکل نیست و از سازمانی به سازمان دیگر متفاوت است. مع‌الوصف، در محدود بودن دامنه این ایفای نقش تردیدی وجود ندارد و غالباً نمایندگان اعضای ناظر بدون حق اظهار نظر و ثبت رای در جلسات حاضر می‌شوند. در نظام حقوقی سازمان ملل متحد، امکان عضویت کامل و عضویت وابسته پیش‌بینی شده. در مورد وضعیت «عضویت کامل»، ماده ۴ منشور ملل متحد بیان می‌کند همه دولت‌های صلح‌دوست می‌توانند در صورت بر خورداری از اراده و توانایی پذیرش و اجرای تعهدات مندرج در این منشور، با توصیه شورای امنیت و تصمیم مجمع عمومی در سازمان ملل متحد عضو شوند. در باب وضعیت «عضویت ناظر» اما مقرره‌ای در متن منشور قید نشده و سازمان این‌گونه مشارکت را در چارچوب رویه مورد پذیرش قرار داده است. اعضای ناظر فعلی سازمان ملل متحد عبارت‌اند از: واتیکان (Holy See) و فلسطین. رابطه سازمان ملل متحد و فلسطین دارای چند نقطه عطف است: نقطه عطف اول، تصویب قطعنامه ۲۲۳۷ به تاریخ ۲۲

کمترین نقش را برای این فاکتور که قائلم، نمی‌خواهم کلمه ناکارآمد را به کار ببرم اما به هر حال مدیریت دوسال و نیم گذشته و مدیریت فعلی بورس صرفاً در حکم ناظم یک مدرسه است که فقط می‌خواهد نظمی برقرار باشد و به نوعی به سهام‌داران می‌گوید شما ساکت باشید، من می‌روم حق‌تان را می‌گیرم! چرا سازمان بورس مانع از رسیدن اطلاعات غلط به سهام‌داران نمی‌شود؟ چرا وقتی بهره بانکی افزایش یافت، کوچک‌ترین واکنشی را از سمت مدیریت ندیدیم؟ اینها و مسائل بسیاری دیگر نشان می‌دهد که مشکلات زیادی در حوزه مدیریت وجود دارد.»

این کارشناس بورس درباره اینکه با نزدیک شدن به مجمع عمومی سالیانه آیا تغییراتی در شاخص‌ها شاهد خواهیم بود یا خیر؟ مطرح کرد: «معمولاً در تیرماه با تراکم مجامع روبه‌رو هستیم. من فکر می‌کنم تا به تدریج شاخص بورس به ۳ تا ۳۰۰۰ نزیم میلیون واحد برسد اما مسئله این است که دولت، مجلس و خود سازمان بورس گاهی اجازه نمی‌دهند بازار سرمایه راه خود را برود. از سوی دیگر دولت برای مهار تورم از شاخص بورس استفاده می‌کند. یعنی اطلاعات غیرواقعی می‌دهد. تناقض‌انداز شدن رشد نقدینگی و رشد اقتصادی، تورم ایجاد می‌کند. می‌گویند رشد داریم اما از رشد نقدینگی سخن نمی‌گویند و در اینجا برای ارائه عدد رشد از بورس هم استفاده می‌کنند.»

آقایی درباره پاسخ به پرسش دیگری مبنی بر اینکه آیا شاخص بورس می‌تواند به عدد ۳ میلیون واحد برسد یا خیر؟ گفت: «حتماً خواهد رسید زیرا براساس ارزش دلاری هم در نظر بگیریم به این میزان خواهد رسید.»

می‌درخشد، سرمایه‌ارزشمند نظام ولایی و مردمی جمهوری اسلامی ایران برای تدویم آرمان‌ها و نقش آفرینی در نظم نوین منطقه‌ای را تقویت‌پشتوانه قدرتمندی برای فرزندان ایران عزیز در «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» برای صیانت از دستاوردهای انقلاب و نظام و حفاظت از امنیت و پاسخ به نیازهای کشور و خدمت صادقانه، مجاهدانه و فزونی‌تر به ملت شریف و شایسته را بر مغان آورد. این پیروزی غرورآفرین ماندگار و معنادار که تحت الطاف خداوندی و عنایات حضرت ولی عصر (عج) حاصل شد را به محضر مبارک «امام» و «امت» تبریک گفته و از حمایت‌ها و پشتیبانی‌های باشکوه شما مردم فهیم و قدرشناس از «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» برای تنبیه دشمنان صهیونیستی در این روزهای جاودانه تاریخی، متواضعانه قدردانی و سپاسگزاری کرده و قاطعانه اعلام می‌کنیم: «مصم‌تر از گذشته به اردوگاه دشمنان اجازه نخواهیم داد به ساخت قدرت ایمان و همبستگی ملی ایرانیان و سرمایه‌بازداندگی کشور که اینک به ارتفاع بلندتری و عظمت والاتر دست یافته است، خدش‌های وارد سازند.»

شرایط تازه در حالی است که پیش از این و بعد از حمله ایران به اسرائیل، شاخص بازار سرمایه روندی کاهش را تجربه کرد تا حدی که سازمان بورس با تشکیل جلسه اضطراری دامنه نوسان در بازار سرمایه را به یک درصد کاهش داد و شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران به ۱۱ هزار و ۱۹۳ واحد کاهش پیدا کرد و به رقم دو میلیون و ۱۹۶ هزار و ۷۷۶ واحد رسید. شاخص هموزن نیز با افت ۲۶۷۷ واحد در عدد ۷۲۳ هزار و ۵۲۹ واحد ایستاد.

افزایش شاخص بورس فقط به مسائل دیپلماتیک ربط ندارد

فریدین آقاییزگی، کارشناس بازار سرمایه، درباره این موضوع به «هم‌میهن» گفت: «همه بازارهای سرمایه تحت تاثیر مسائل ژئوپلیتیک قرار دارند اما فضای کسب‌وکار در بازار سرمایه مقایسه‌ای است؛ به این معنی که اگر برای مثال بازار طلا یا ارز دچار نوسان شود، بازار سرمایه هم همین حالت را پیدا می‌کند اما یک فرقی میان بازار سرمایه با دیگر بازارها وجود دارد و آن قدرت نقدشوندگی است. واقعیت این است که هنوز ابهاماتی درباره مناقشات اخیر میان ایران و اسرائیل وجود دارد و اگر همه دلیل مربوط به سیاست می‌شد، نباید شاهد مثبت شدن شاخص‌ها می‌بودیم اما ظرفیت رشد سرمایه در قدرت نقدشوندگی اش است که دیگر بازارها به این اندازه ندارند. سودآوری شرکت‌ها لزوماً مبنای وضعیت بازار سهام نیست و در سال ۹۹ هم دیدیم که کوچک‌ترین مبتنا، سود شرکت‌ها بود. در بازار سرمایه، تمرکز بر سرمایه است.»

او در پاسخ به این پرسش که تغییر و تحولات در مدیریت بورس تا چه حد بر افزایش شاخص‌ها مؤثر بوده است، بیان کرد: «من



نیروهای مسلح» انجام پذیرفت و پرده‌ای از اعمال و نمایش قدرت «ایران قوی» را پیش روی جهانیان گشود، مروهون تدابیر حکیمانه رهبری مقتدر و شجاع انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در هدایت و قدرت‌افزایی روزافزون دفاعی و نظامی کشور مقابل گستاخی و زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های استکباری و «وعده صادق» معظم‌له در خطبه‌های نماز عید سعید فطر برای تنبیه جنایت و تجاوز دشمن صهیونیستی بود و در اوج اقتدار و عظمت توانست فضای جملی و اغراق‌آمیز قدرت نظامی رژیم کودک‌کش را منهدم و بعد از «عملیات طوفان الاقصی» شکست ترمیم‌ناپذیر دیگری بر اشغالگران هتس شریف تحمیل کند. دستاوردهای راهبردی این عملیات موفق که وحدت مثال‌زدنی آحاد مردم، شخصیت‌ها، نهادها، رسانه‌ها، احزاب و جریان‌های مختلف سیاسی و دارای مرجعیت در تصویری دل‌انگیز و میدانی شکوهمند و شوق‌آور، بر پیشانی آن